کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۴

مقابله شد

۱۱۹۰۹

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب وقفنامه حاجی ... در تبریز - وقفنامه روستای الوار...

مؤلف میرزا ...

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۴۹۶۴۳

شماره ثبت کتاب ۹۰۴۷۳

۱۴۹۶۲

۱۱۹۰۹

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

[illegible]

[illegible]

۱۴۹۶۴
۹۰۴۷۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

[illegible] ۱۲۷۲

[illegible] ۱۲۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة

والسلام على محمد وآله خير القبايل والعشاير وبعد

نقل

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد بیانی که واشان املاک فصاحت و سخندانی

بدستیاری عاملان و مستاجران السنه و زبان ادای

مستقلا ضمایر نکته دانان بسر حد وصول و باز یافت رسانند

وقف تعظیم و بذل شنو بر و صرف تعمیر روضه تحمید و بقعه

تمجید و قبه تقدیس واقف الاسراری است جل شانه که

رواق افلاک و بقعه خاکرا بقنادیل انجم و اختر و مصابیح

مهر منیر و بدر انور در هر مسا و صباح روشن و منور داشت

که الله نور السموات والارض و عنبر و عود تحیت و درودی که

عطاران شهرستان بلاغت افزا بنا در خاطر بهشت آورده در

مسحوق دهان بالسنطوق سایند در مجمر نعت و منقبت سید

و سروری توان سوخت که بی توسط طیب و طینت و عنبر خلقتش

۲ اندراجه روح و فایحه حیا مشام هستی و مغز وجود هیچ
آفریده شمه نربوده که لولاک لما خلقت الافلاک و صلوة
زاکیات و تحیات با برکات بر آل سعادت مال و اولاد امجاد
آن بزرگوار باد که متولیان موقوفات علیین اند و ناظران املاک
سموات و ارضین معماران عالم وجودند و عمارت کنندگان
بیت وحدانیت حضرت معبود رجال لا تلهیهم تجارة و لا
بیع عن ذکر الله و بعد سعادت منبر اکر روضه خاطر بنور معرفت
و ایمان روشن است و مجلس ضمیرش بعطر رایات حقیقت و ایقان
معطر اینمعنی ظاهر و مبرهن است که علیلان مرض عدم و
مریضان برزخ نیستی را طبیب قدرت نامتناهی و حکیم مشیت الهی
نه محض تعیش و تکلیف که با بر وجود هستی نمود و تجدد

تفنن

تفنن و تمتع امر باستحکام شهود و نمود فرموده بلکه
اینمعالجه منظور و در سرشت هر یک مفطور که سراپای
وجود را از وسخ و دنس معاصی و هوس شست و شو بعطر رایات
طاعات و عبادات معطر و خوشبو ساخته آماده رجوع
مسکن مالوف و مهیای بازگشت وطن اصلی باشند که
یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة
مراد اینمقال چهره نما شاهد احوال الجناب مستطاب
حقایق و معارف اکتساب وزارت و صدارت انتساب
عظمت و جلالت نصاب ملجا الاکابر و الاعاظم ملاذ
الاماجد و الافاخم سلاله سلسله خاندان مصطفوی
خلاصه قبیله دودمان مرتضوی مقرب الحضرة السلطان

٣ فخر الحاج حاجی میرزا موسی خان است وفقه الله لما یحب
و یرضی که همیشه اوقات با برکاتش را باکتساب صلات
مصروف است و مدام ایام خجسته سماتش مجبور
مثوبات موقوف مفاد صدق نفاد کریمه لن تنالوا البر
حتی تنفقوا مما تحبون را نصب العین ساخته حقیقت
بدین ساخته ذخیره یوم لا ینفع مال و لا بنون قربة الی الله
و طلباً لمرضاته وقف صریح مخلد و حبس صحیح مؤبد
فرمودند همگی و تمامی و جملگی کل یکباب حمام دایر
آبادان مع مضافات و ملحقات و متعلقات شرعیه
و عاید بدان که معمار همت جناب واقف موفق معظم الیه
عمارت آنرا بنا نهاده و از خالص مال خود بانجام و اتمام

داده

٤

داده واقع در دار السلطنه تبریز در محله چهار منار
و محدود است از سمت قبله بشارع عام محاذی
مدرسه حاجی میرزا علی اصغر شیخ الاسلام
و شرقاً بخانه فتحعلی خان قاجار و شمالاً بشارع
عام مشهور بکوچه ملتانیها و غرباً بحمام کوچک ننا
و طویله ملکی واقف مصارف معینه و اخراجات
مشخصه چند که ذکر هر یک از آنها مفصلاً و محرر
محرر و مرقوم میگردد و تولیت موقوفه موصوفه مادام
العمر و الحیوة با جناب واقف موفق مادام محال است و بعد از
انتقال جناب واقف موفق از این سرای غرور بدار السرور
تولیت شرعیه وقف مزبور با احدی از افاد جناب واقف

معظم الیه خواهد بود که بصفت رشد و عدالت
موصوف و بحسن ظاهر و امانت معروف باشد و هرگاه
متعدد باشند الاقرب فالاقرب فی الرجل النسب ثم الاکبر اصلح
و با تحقق این شرایط اقارب الی برامی مقدم است و
در صورت فقدان رشد و صلاح در اقارب تولیت با علما
وقف با ازهد و اتقی علماء دار السلطنه تبریز خواهد بود تا
و کیفیت صرف مداخل و منافع ان از واقف معظم الیه
اینست که زیاده از مدت سه سال باجاره ندهند
تا عقد دیگر از عقود شرعیه زاید بر مدت مذکوره
بکسی واگذار ننمایند مگر در صورت خرابی کلی که بدون
اجاره مدت طویله تعمیر ممکن نشود و بملاحظه اینکه شاید

یکی از ظلمه باسم اجاره تصرف کرده بعد بغصب نگاه
دارد شرط شد که بکسانی که در سلک اهل ظلم باشند
مطلقا بعقدی از عقود ندهند الا در صورت خرابی
کلی که چاره تعمیر ان منحصر باین باشد و همچنین بملاحظه
اینکه بعضی از متلبسین بلباس شرع باطنا از حلیه
تقوی عاری باشند و بدستاویز اجاره متصرف شدند
بعد بحیل شرعیه متمسک شوند و استرداد ان صعوبت
بهم رساند شرط شد که بمتلبسین این لباس نیز مطلقا بصیغ
شرعیه واگذار نشود اگرچه بظاهر اثار ورع از ایشان
باهر باشد و متولی شرعی بعد از لوازم محافظت و شرایط
حراست وقف بعد از وضع اخراجات تعمیر لازمه از کل منافع هشت

یکعشر سهم حق التولیه جهت خود و نیم عشر سهم حق
النظاره بجهة ناظر موضوع نماید مگر در صورتی
که متولی وقف غیر افراد باشد که حق التولیه نیم عشر افزود
خواهد بود و نصف دیگر را بمصارف مقرره خواهند
و دو عشر را بمصرف تعزیه و روضه خوانی جناب سید الشهدا
و ذکر مصائب سایر ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
صرف نمایند مادامی که واقف موفق در حیات باشد در
هر بلدی که خواهد و بعد در دار السلطنه تبریز و در
بلاد دیگر و دو عشر دیگر را در ارض اقدس و مشهد
مقدس رضویه علی مشرفه الاف الثنا و التحیة در خصوص حرم
محترم و سر روضه متبرکه صرف تعطیر و تنویر و تعمیر نمایند

باطلاع

باطلاع یکی از علماء معروف آن بلد طیبه که شهرت بتقوی
بیشتر داشته باشد و اختیار بعضی از سر مصارف با جمع
هر سه موقوف برجحان در هر وقت است و اگر عطر کل
برای ضریح مبارک و شمع کافوری و امثال آن برای مصارف
مزبوره بکار آید بجنسها از تبریز فرستاده شود با ظن
سلامت راه اولی خواهد بود و دو عشر دیگر را در سرمن رای
بمصرف روشنائی روضه مطهره عسکریین علیهما السلام و سرداب
مقدس برسانند و هرگاه مقدور نشود با ظن آن نباشد که
در آنجا صرف میشود در هر یک از روضات مقدسه نجف اشرف
و کربلای معلی و کاظمین علیهم السلام که اولی دانند صرف نمایند
و دو عشر از آن بفقرای سادات را بدهند و افقر را مقدم دارند و نیم

عشر را بکسانی که عالم بعلم قرائت و از حیثیت دیانت محل
وثوق باشند داده موافق معمول هر وقتی قرار کرده اند کیف
تلاوت دهند که ثواب آنرا بروح جنت جایگاه والدین
جناب واقف رحمهم الله تعالی هدیه نمایند و در صورتیکه
رسانیدن بعضی از سهام اربعه قرار داده صعوبت داشته باشد
بر بعضی دیگر بیفزایند و نظارت بعالیجناب وحید العصر
اخوند ملا محمد ماماقانی ساکن تبریز مفوض است و بعد
از ایشان با دیگری از علمای تبریز که در زهد و ورع اشهر باشد
تفویض شود جرت الصیغة فی روضة الرضیة فی شهر جمادی
الاخری سنة خمسین و مأتین بعد الالف من الهجرة النبویة المقدسیة صلی الله علیه و آله
علی هاجرها الاف الثناء و التحیة نحوها

قد سمعت الاعتراف عن الواقفة الموقفة
السيدة [illegible]
في هذه الوثيقة وانا الداعي [illegible]
[illegible] فجرت الصيغة الصحيحة الشرعية
كما هو المحرر [illegible]

قد تشرفت باستماع ما ذكر في هذه
[illegible] عن الواقفة [illegible] الموقوفة
العلية الموقوفة بالتأبيدات [illegible]
الداعي وقد جرت الصيغة بحضرتي
[illegible]

قد سمعت الاعتراف عن الواقفة الموقفة
[illegible] بجميع ما ذكر فيها [illegible]
حرره اقل الحاج عبد العلي

قد سمعت الاعتراف عن الواقفة الموقفة
بجميع ما ذكر فيه وجرت صيغة الوقف
كما رقم فيه بمحضري حرره

سمعت الاقرار من الواقفة
وقد جرت الصيغة لدي
حرره الداعي

اعترفت بجميع ما فيها لدي وحرره
في يوم السبت [illegible] شهر [illegible]
سنة [illegible]

اعترفت دام مجدها
[illegible] بجميع ما
فيه لدي حرره

اقرت دام [illegible]
بجميع ما ذكر فيه [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله [illegible]

[illegible]

١٢

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل قلوب الواقفين على مواقع المعاني مهابط
انواع الالهام وصيرها مصاعد العارفين بحقايق الملك والملكوت
مجالي اصناف التجليات وتوحدا وكشف البصائر بانوار
البصيرة واظهر ما غرس في رياض جنات اهل الايمان اشجار

اشجار الحكمة واجرى تحتها انهارها ونصلي على ابد نبينا المرسلين
واشرف المربوبين من سكان السموات والارضين حبيب الله وصفيه
ابي القاسم محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله اما بعد

حمد وسپاس فزون از مكاييل وقياس وشمه ز دعوه
الاوی والاجناد رب الارباب است که دهکده عالم جبروترا
بلا مشاغبی مالك است و ملك فلك ملكوتش منزه از
اشتراك سهم ومشاركت وتوده غبرا ... کارکاه
کاری که از حجره بند بر کردن نهاده وانجم واختر کبوتران
برجی که در هوا شوقش بال افشان ومعلق زنان بچرخ
افتاده سنبله در مزرعه دایره فلك از کشتزار صنعتش
خوشه ربیست وحاصل کونین برادهر قاطر بقا طاعتش نوشته

کره خاک از اراضی شوکتش قطعه زمینیست از جوی
بحار مشرب وگرد باد وچرخ پیر در مزرع فیضش دهقانی
که با داس هلال بخوشه چینی خمیده رقبات رقبه انام
از خاص وعام در ربقه ملکیت واقتدار اوست واملاک
شش دانگ جهات سته عالم امکان در تحت تصرف
واختیار اوست بدانه ریزی قطرات نیسانی زمین سینه
صدف را قابل موجب لولوی لالی نموده واحداث فنون
علوم بی پایان در اراضی صدور انبیا ورسل واجرای
مبانی معارف وایقان در جداول قلوب علما وهادیان
سبل فرموده مراورا سد کبریا ومنی که ملکش قدیم است
دانشش غنی ودرودی که خوشه چین ناطقه با محصد قلم

از کشتزار بیان درووده باشد لایق جناب بزرگوار
که مقصد اصلی از بنای مزرعه جهان حصول حاصل
ذات پاک اوست وعلت غایی از احیای اراضی
موات عدم نمودار دانه یکتا گوهر تابناک او و
صلوات تحیات وطیبات بر آل واصحاب او باد
که جعفر آباد ملت جعفریه را محیین سالار اند وحمله
دین مصطفوی را نازل منزله ابر بهار اسپ سپهر
بر جوی بابری ایشان کرد انسته واطاعت شرع
عبد آباد بندگی ومؤمن آباد ایمان را احد وسامان
وبعد بر واقفان مواقف توفیق که استقرار قرای امور
توفیقیه کرد انند مخفی نخواهد بود که در سر زمین تهذیب کا

نشاندن درخت نیکوکاری مثمر اثمار برخورداری
از املاکات و در دنیا عبکاه دنیا که مزرعهٔ آخرتست
افشاندن تخم رستکاری سبب ادراک ربیع
رستکاری در وقت حصاد عملها آنها علیه چون توفیقات
ازلی و عنایات لم یزلی قرین حال و کفیل امال علیا
جناب قمر نقاب خورشید احتجاب طهارت و خدارت مآب
بلقیس مکان آسیهٔ الزمانی فاطمة الدورانی اختر برج
عصمت و طهارت کوهر درج عفت و خدارت پرده نشین
حجلهٔ عزت و جاه و تکیه کزین اریکهٔ عظمت و اعتلا
السیدة الجلیلة النبیلة المحترمة والعفیفة المستورة
المکرمة طایفة بیت الله الحرام حاجیه آغا ما بیکم دامت

خدا

خدا رحمها همشیرهٔ مکرمهٔ جنات جنت مکان خلدآشیان
علیین آرامکاه حاجی میرزا موسی خان طاب ثراه اعلی الله مقامه
ورفع الله درجته کردید تقربا الی الله وطلبا لمرضاته
وقف موبد صحیح شرعی وحبس مخلد صریح ملی کردانید
همکی و تمامی کل شش دانک تمام مجری المیاه و محل زراعت
قریهٔ مشهوره بالوار علیا موسومه بملا احمدلو را که واقعست
در محال خطاییان من متعلقات و ملوکات دار السلطنه
تبریز و محدود است غربا از اول نهر شادبند الی
فوق نهر نوجوی مشهور بنوجی جنوبا بنهر نوجوی
مسطوره شمالا ارکولک بوردون الی شوردره و از شرق
الی کلدره مکریالای کلدره طریق زدوقا و پایین کلده

جاده مرند است شرقا بکفش و عرض عرصه مشهوده بالتخوان
که مابین جاده مرند میباشد و همگی و تمامی کل شش دانگ
مجری المیاه و محل از راعت مزرعه مدعوه مشهوره باولی
و شش دانگ مزرعه مشهوده بمدبرج حاجی میرزا زهان
واقعتین در محال ایضا که مرات فی محله لغایت الشهره مستغنی
از تحدید و توصیف است مع حق آبه معینه مشخصه
از رودخانه سنگ کرچی مشهوره و حق آبه معلومه فیما بین
از رودخانه کومود چای مشهوره که از اراضی قریه آنا خاتون
جاری میشود مع همگی و تمامی کل یکدرب حمام زنانه
واقعه در شهر دار السلطنه تبریز جنب حمام خرابه نورولی
وقفی اخ اکرم اعظم جناب واقف خان علیین آشیان

<

که محله لغایت الشهره مستغنی از تحدید و توصیف است
باکافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه هر باب از مزارع
و مراتع و مرابض غنم و اراضی و صحاری بی زار و دو بچه زار
و تلال و جبال و عیون و انهار و دهکده و قلاع و حصار
داخلا و خارجا ارضا و اعیانا و احجار و اشجار و غیر ذلک
مما یتعلق بها او ینتصب فیها سمی ام لم یسم و ذکر ام لم یذکر
وصف ام لم یوصف بر حفاظ و قراء و فراش و تنویر و سوخت مزار
غفران آثار عالیشان افتخار اخ اکرم اعظم افخم خود خان
علیین آشیان معظم الیه اعلی الله مقامه و رفع الله
درجته که در هر عصری از اعصار متولی شرعی وقف نموده
استیفا مداخل و منافع اعیان موقوفه را نموده بعد از وضع

تعمیرات الازمنهٔ وقف مزبور و اخراجات ضروریه هر ساله
یکعشر کامل بجهة حق التولیه خود تصرف نموده بقیه را
بارض اقدس رسانیده انچه بجهة شمع و سوخت
سرکار فیض آثار معظم الیه که واقع است در حرم
مطهر منور امام ثامن ضامن صلوات الله علیه بین
الصفتین [illegible] مبارک و مسجد بالاسر مبارک محتاج باشد
از شموع موم بعلاوه سوختی که از بابت منافع حوالی
وقفی باید صرف شود و کم اید در هر صباح و مسا منور
و روشن باشد بجهة تلاوت قرّاء و حفاظ و غیره صرف
نماید و علی الاستمرار هشت نفر قاری کلام الله صحیح القراءة
و یکنفر فراش متولی شرعی تعیین نمود وظیفهٔ مقرره

ایشان را

ایشان را از هر قرار که متولی مقرر دارد بایشان برساند
که بکره و عشیا در سرکار اعلیین ایشان تلاوت
نمایند و ما زاد من المصارف المذکوره را متولی شرعی
وقف مزبور باید صرف سوخت حرم مطهره و روضهٔ
منوره امام ثامن ضامن علیه التحیة والسلام نماید
و تعیین حفاظ و فراش و قرار وظیفهٔ ایشان بنظر متولی
که هرگاه مداخل و منافع حوالی وقفی در مسجد جامع
ارض اقدس و مزارع مرقومه و حمام مزبور وفا بمصارف
مرقومه از وظیفه هشت نفر قاری و یکنفر فراش و سوخت
سرکار مغفور مبرور ننماید متولی از عدد حفاظ ناقص
نماید بقدری که مداخل موقوفه وفا باها نماید و علیا جناب

واقف دامت خلافتها و توفیقاتها تولیت وقف مزبور را
مفوض نمودند مادام الحیوة بنفس نفیس خود و بعد
از دیر زندکانی باولاد ذکور خود و با عدم ان باولاد ذکور
اقارب خود که بصفت رشد و صلاح اراسته باشند بطنا
بعد بطن و نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب و نیابت
و تولیت و نظارة وقف مزبور را مفوض نمودند بجناب
واقف در دار السلطنة تبریز با علم و اصلح و اتقی علما
ان بلد و در ارض اقدس طوس بمتولی شرعی سرکار فیض
اثار که در هر عصری از اعصار هر کاه متولی شرعی وقف
مزبور در ارض اقدس متوطن و مجاور بوده باشد اعلم
و اصلح و اتقی علماء دار السلطنة تبریز بنیابة و نظارة

باید

باید جمع اوری و استیفاء حاصل و منافع وقف
مزبور را نموده یک ربع از یک عشر منافع موقوفه را بجهة خود
تصرف نموده بحق النظاره و ما بقی را بعد از وضع
اخراجات الازمه را ارسال نزد متولی بارض اقدس نماید که
متولی شرعی وقف مزبور باطلاع و نظارت متولی شرعی
سرکار فیض اثار حسب القرار واقف بمصارف موقوف
علیه مصروف دارد با عدم توطن و مجاورت متولی در ارض
اقدس هر کاه در دار السلطنة تبریز باشد خود متولی بالاطلاع
ناظر آن بلد استیفاء منافع وقف مزبور را نموده یک عشر
انرا بجهة حق التولیة خود تصرف نموده یک ربع عشر انرا
هم بجهة حق النظاره بناظر آن بلد رسانیده ما بقی را

بنظارة ناظر آن بلد بمتولی شرعی سرکار فیض آثار و ناظم
ارض اقدس رساند که حسب القرار واقفه متولی شرعی
سرکار فیض آثار معمول دارد و هرگاه متولی شرعی وقف
در بوده در دار السلطنه تبریز هم نباشد یا انقراض اولاد
ذکور اقارب واقفه العیاذ بالله تولیت و نظارت وقف
در بوده در دار السلطنه تبریز با ناظر معظم الیه سابق
الذکر است و در ارض اقدس با متولی شرعی سرکار
فیض آثار که متولی تبریز بعد از استیفاء منافع وقف
همان یک ربع عشر حق النظاره خود را تصرف نموده
ارسال نزد متولی شرعی سرکار فیض آثار نماید که
یکعشر حق التولیه را جهة خود بازیافت نماید و ما بقی را

بمصارف

بمصارف مقرره واقفه مصروف دارد و علیا
جناب واقفه تمامی اعیان موقوفه را از تحت تصرف
و قید تملک خود اخراج و بتصرف موقوف علیهم وا
گذاشته و خود تولیت تصرف نمود و صیغه شرعیه
بر مراتب مسطوره واقع و جاری شد وقفا صحیحا شرعیا
بحیث لا یباع و لا یرهن و لا یوهب و لا یصلح فمن بدله
بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و کان
ذلک بتاریخ عشرین من شهر رجب المرجب من شهور
سنه ثلاث و ستین و مائتین بعد الالف من الهجرة
النبویة صلی الله علیه و آله

سنه ۱۲۶۳

هو الواقف على الضمائر
والمطلع على السرائر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل قلوب الواقفين على مواقف المعارف مهابط
انواع الالهامات وصير ايا صدور العارفين مجالي الملك
والملكوت ومجالي اصناف التجليات ونور بجلاء احداق البصائر
بانوار البصر وطهرها وغرس في روضات جنات اهل البقاء
اشجار الحكم واجرى تحتها انهار رموز وصلى على سيد انبيائه المرسلين
محمد عبد الله خاتم النبيين وعلى آله البررة الطيبين الطاهرين المعصومين

الانجبین المکرمین وبعد از طوالع مطالع اینکتاب
باصوا وشوارق مشارق انتخاب مستطاب المعروف
اینمعنی تابند وشعشعه وقوع اینمعنی عادر خشند تا
که هر کرا شمع هدایت ازلی رهبری نماید وخاطر از کدورات
نفسانی مصفی سازد بر مرات ضمیر منیر او صورت اینمعنی
جلوه گر گردد که احسن وسایل واشرف ذرایعی که
ارباب توفیق واصحاب تایید بدستیاری همت بلند و
اعانت بخت ارجمند گوی سعادت دارین وسرافرازی
نشاتین در میدان نجات از هلکات نیران وقصب السبق
قرب وزلفی با اصحاب جنان از همکنان توانند ربود والزام
طرایق خیرات وصدقات وتعهد اتیان بمراسم اعطا
ومبرات

ومبرات است بمضمون حدیث شریف اذا مات ابن
ادم انقطع عن عمله الا عن ثلاث صدقة جاریة وعلم
ینتفع به وولد صالح یدعو له واز اینکه مراتب
دنیه دنیا را بقای ولذات فانیه جسمانیه را ثباتی
وارتقا بر معارج سعادات اخرویه کسی را میسر شود
که همگی اوقات فرخنده ساعات خود را در تکثیر خیرات
ومبرات از صله ارحام وبر والدین صرف نموده سعی
موفور بتقدیم رساند وکرایم اموال خود را ذخیره
اعتصام یوم لا ینفع مال ولا بنون سازد بنا علیه
توفیقات حضرت سبحان وتاییدات ملک منان شامل
وکفیل احوال علیا جاه بلند جایگاه خداوندت وطها

دستگاه مستوره جمله عصمت و حیا و تکیه گزین
اریکه عزت و اعتلا تاج المخدرات و زین العفائف
والمستورات آسیه الزمان و فاطمه الدوران طایفه
بیت الله الحرام و زایره الرکن والمقام نواب علیه عالیه
حاجیه تاج ماه بیگم دام عصمتها همشیره مکرمه
جناب غفران مآب علیین آرامگاه المستغرق فی بحار
انوار رحمة الله الملک الاله حاجی میرزا موسی خان
اعلی الله مقامه و رفع الله درجته کرده بود از عین المال
حلال ملکی موروثی از خان علیین آشیان تقربا الی الله وطلبا
لمرضاته وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی نموده همگی
و تماما و قاطبة و جملگی کل یکدربند حمام ملکی موروثی

خود

خود را که واقع است در خارج شهر بند دار السلطنه
تبریز در سمت دروازه باغمیشه و نزدیک به مزار کثیر الانوار
امامزاده سید حمزه جنب خانه عالیجاه معلی جایگاه
اسمعیل خان که لغایت الاشتهار فی محل غنی از تحدید
و توصیف است با کافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه
از اخشاب و احجار و جدران و باره و کلما یتعلق بها من القلیل
والکثیر والنقیر والقطمیر بفقرات و حفاظ سرکار مرحمت و
غفران پناه علیین آشیان والد ماجد خود سرکار در رضوان
آثار قائم مقام بزرگ جناب میرزا عیسی اعلی الله مقامه
و رفع الله درجته که واقع است در دار السلطنه تبریز جنب
مزار کثیر الانوار امامزاده سید حمزه خارج دروازه مذکوره

از اعضا متولی شرعی آن بلده عشر از منافع و مداخل
از ابجحق التولیه جهت خود تصرف نماید و بقیه شرکاء
از ابجح لازمه احتیاج سرمزار غفران آثار جناب معظم
الیه باشد از قهوه و قلیان و کلاه بی غیر مصرف نمایند
کرده هر ایام بقدر حشا پیشکی و ترده مزدین کلا
و قهوه و قلیان استعمال نمایند و مازاد عن المذکور را
تسلیم قراء صحیح القرائة سرمزار جناب معظم الیه خادم
مزار مرحوم مغفور مبرور در هر باب ماهر فلد که متولی
صلاح داند نماید که لیلا و نهارا مشغول تلاوت کلام
الله مجید در اسر مزار باشند و تولیت وقف مزبور ما دام
العمر و الحیوة با علیا جاه واقفه موقوفه را مستعد اشتغال بهالت بعد از

علیا

علیا جاه واقفه از سرای غرور بدار السرور تولیت شرعیه
وقف مزبور با احدی از اقارب جناب واقفه معظمة الیها
خواهد بود که بصفت رشد و عدالت موصوف و بحسن ظاهر
و امانت معروف باشد و هر گاه متعدد باشند الاقرب
فالاقرب فالرجل الانسب ثم الاکبر اصوب و بالتحقیق این شرایط
اقارب ابی بر امی مقدم است و در صورت فقدان رشد
و صلاح در اقارب تولیت وقف با ازهد و اتقی علما
دار السلطنة تبریز خواهد بود که بقرار مرقوم حسب
القرار واقفه معمول دارند و علیا جاه واقفه عین
موقوفه را از تصرف خود اخراج و بتصرف وقف
واگذاشتند و خود تولیة تصرف نمودند صیغه

شرعیه بر کمراتب مسطوره واقع وجاری شد فمن
بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه
وكان ذلك بتاريخ هجدهم شهر محرم الحرام [illegible]
بعد الالف

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الواقف على الضمائر المطلع على السرائر والصلوة
والسلام على محمد وآله خير القبائل والعشائر
وبعد غرض از تحرير وباعث بر تسطير اين كلمات
واضح الدلالات آنست كه بعد از انكه عليا جاه رفعت

وجلالت دستگاه فخامت و مناعت اکتناه شمس فلک
عفت و عصمت و بدر آسمان خدارت و طهارت
فاطمة الزمان و خدیجة الدوران نونهال
گلستان مصطفوی سلالهٔ دودمان مرتضوی فخر
الحاجیات و المعتمرات حاجیه تاج ماه بیگم خانم المشهوره
بحاجیه خانم دام مجدها العالی صبیهٔ محترمه مکرمه مرحوم مغفور
جنت مکان علیین آشیان میرزا بزرگ قایم مقام الملقب
بقایم مقام بوده اند با تحقق جمیع شرایط شرعیه معتبره صحیح نما
شده اند قریهٔ خواجه مرجان از قرای تبریز دار السلطنه را با انضمام
چهار دانگ مشاع از شش دانگ قریهٔ صوفیان از قرای
دار السلطنه تبریز را که هر یک از آنها در کمال شهرت محل خود از

از

از توصیف و تحدید مستغنی است با جمیع توابع و لواحق
شرعیه و عرفیه آنها بعقد صلح صحیح لازم شرعی مشتمل
نمودند بعالیجاه عظمت و جلالت دستگاه عفیفه
نقیه تقیه فخر المخدرات و المستورات نخبة الحاجیات
و المعتمرات حاجیه خدیجه خانم المشهوره بحاجیه آغا زید
عزها و علاها صبیهٔ معظمهٔ مرحمت پناه رضوان جایگاه
حاجی میرزا ابویوسف اشرفی مستوفی حلیلهٔ جلیلهٔ مرحوم مبرور
میرزا محمد تقی علیابادی الملقب بآقا بعوض معلوم در خارج
و صیغهٔ آن بقانون شرع جاری گردید فی المجلس عالیجاه
حاجیه آغا مصالح لها با تحقق جمیع شرایط شرعیه معتبره
در صحت معاملات قربة الی الله و طلبا لمرضاته و صح تحریراً

لازم شرعی وحبس مخلد صریح جازم ملی نمودند همگی
وتمامی کل ششدانگ قریهٔ اولی وچهار دانگ مزبوره
از قریهٔ ثانیه را با جمیع توابع ولواحق مرقومه هر یک
بنحوی که با ایشان منتقل شده بود بدون وضع واستثنای
چیزی از آنها بر علیاجناب حاجیه خانم مصالحه سابقة الالقاب
مادام الحیوة ایشان که جمیع منافع آنها هر چه باشد
بالتمام تسبیل ایشان باشد هر نحوی که خود خواهند
وبعد از عمر طبیعی ایشان بر قاطبهٔ مؤمنین ومؤمنات
اثناعشریه که متولی شرعی منافع آنها را هر ساله بعد
از وضع مخارج متعلقه بعین موقوفه حتی الحجه دیوانی
ملک صرف شود مثل احداثات جدید که بنا قلعه وبیوتات
وباغ

وباغ ونحو آنها از چیزهایی که باعث آبادی وزیادتی قیمت
ومنافع ملک شود بنحوی که منافی با غرض نباشد بده
سهم منقسم ومنقسم نماید باین نحو که یک عشر را
متولی از بابت حق التولیه خود بردارد ویک عشر را بچهار
قسمت کند یک قسمت را که یک ربع از یک عشر است از بابت
حق النظاره بناظر بدهد وسه قسمت را که سه ربع از یک
عشر است بفقرا از رجال ونساء سادات عزّ ابا اگرچه زن وصا
صاحب زن بوده وبعد بالفراق او الموت عزب شده باشد
بدهد که صرف قائم تزویج خود بر وجه شرعی نموده باشد
وتعیین مبلغ ومقدار اگرچه منوط است بنظر متولی
وناظر لکن باید از پنج تومان کمتر وعلاوه بر ده تومان نباشد

ونیم عشر را اثلاث نموده یک ثلث را صرف فرش و روشنائی
مقبرهٔ منورهٔ حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه خود
مسجد کوفه از برای زوار و معتکفین نمایند و دو ثلث را
صرف فرش و روشنائی روضهٔ متبرکهٔ حضرت عباس سلام الله علیه
نمایند و سه عشر و نیم را در وانهٔ نجف اشرف زاده الله عزا
و شرفا و تعظیما نمایند که از یک عشر آن کتب فقهیه
ابتیاع شود و بمستعدین از مشتغلین و علمای اهل
از عرب و عجم بدهند که از آنها منتفع شوند و اصل کتب
کالاصل الموقوف باقی بماند و یک عشر از آن را بفقرای
از طلاب علم ضرار از عرب و عجم که در نجف اشرف هستند و حقیقة
محصل علمند و آثار ترقی در ایشان ظاهر است بدهند

که

که صرف معاش خود نمایند و کسانی را که افقر و در بلد خود
مایهٔ امید واری ندارند و لو علی نحو التبرع مقدم بدارند
و یک عشر از آن را صرف فرش و روشنائی حرم محترم و رواق منور
آن بزرگوار صلوات الله و سلامه علیه نمایند و نیم عشر
از آن حق متولی امورات راجعه بعتبات عالیات عرش
درجات است از نجف اشرف و مسجد کوفه و کربلای معلی
و کاظمین و سر من رای که یکی از مجتهدین نجف اشرف است
که اشهر و بصفت زهد و تقوی موصوف باشد و در صورت
احتیاج این متولی بنائب و عاملی از قبل خود اجرت نائب
و عامل مزبور از نیم عشر مذکور که حق این متولی است
باید داده شود و یک عشر را صرف تعزیه داری حضرت

رسول صلی الله علیه وآله و اهل بیت اطهار آن بزرگوار صلوات الله
وسلامه علیهم اجمعین و متعلقین ایشان از شهدا و اسرا و امثال
ایشان از اشخاصی که تعزیه داری برای ایشان شرعاً مشروع
و مطلوب باشد نماید از اموراتی که متعلق به تعزیه
داری است از اجرت مرثیه خوان و اطعام و قهوه و
قلیان و شربت و نحوها از مقدمات و مقارنات و
موخرات بنحوی که متولی شرعی و ناظر صلاح دانند که تعزیه
داری مزبور در شهر دار السلطنه تبریز در هر محل و هر قسم
که متولی و ناظر صلاح دانند در ایام محرم یا صفر با تمکن
از تعزیه داری در آنها و با عدم تمکن از آن در ایام و لیالی
متبرکه سال از قبیل ایام و لیالی قدر و ایام و لیالی

وفات

وفات جناب فاطمه زهرا و یکی از حضرات ائمه
هدی علیهم الف الاف التحیة والثنا و ایام و لیالی
جمعه و نحوها باید مشغول باشد و دو عشر را اثلاثاً
قسمت نماید یک ثلث از آن را صرف روشنائی حرم محترم
حضرت سید الشهدا جناب امام حسین صلوات الله
وسلامه علیه نماید و یک ثلث از آن را بفقرای اقربای واقف
آن بزرگوار اگر چه ابن سبیل باشد بدهند و زیاده
بر ده تومان و کمتر از دو هزار ندهند و یک ثلث از آن را
در کربلای معلی در ایام محرم و غیرها من ایام السنة
بتفصیلی که سابقاً مرقوم شد صرف تعزیه داری نمایند
و یکعشر را صرف روشنائی حرم محترم حضرات کاظمین

وعسکریین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین
وسرداب مقدس حضرت امام زمان جناب صاحب الامر
عجل الله فرجه نمایند باین نحو که یک خمس در سرداب
مقدس و چهار خمس بالمناصفه در روضه متبرکه
حضرت کاظمین وعسکریین علیهم السلام صرف شود و شرط
شرعی شد که متولی شرعی منافع عین موقوفه را از سه سال
بیشتر بعقد اجاره یا عقد دیگر منتقل نکند وبعد از
انتقال تا سه سال سابق تمام نشود ثانیا نقل منافع
ننماید وهکذا بظالم متغلب که خوف استقلال و غصب
او باشد ندهند وتولیت و نظارت عین موقوفه و منافع
آن از زمان وقوع وقف بود الی سه روز تمام با جناب

مستطا

مستطاب شامخ الالقاب العلم العلام الفهام قدوة
الانام مرجع الاسلام وحید العصر فرید الدهر
مجتهد الزمان تاج الحجاج والعمار مولانا الحاج
ملا عبد الصمد مجتهد وعلاه میباشد و پس از مدت
مرقومه مادام حیاتا علیا جاه فخر المخدرات حاجیه مکرمه
محترمه حاجیه خانم موقوف علیها تعیین متولی نشده
وخودان مکرمه محترمه مختاره در صرف منافع میباشند
بهر نحوی که خواهند غیر اکرا سبیل برایشان نیست و اما بعد ازان
مکرمه معظمه محترمه که وقف بر مؤمنین و مؤمنات است
تولیت مفوض است بیکی از اقارب حاجیه مکرمه حاجیه خانم
سابقة الالقاب که در مرتبه اولی که اقرب بارث و اکثر سهم

درادث باشد چه از ذکور و چه از اناث بشرط انکه
صاحب صفت بصیرت و صلاح بحال عین موقوفه
و صرف منافع ان در مصارف مقرره مرقومه باشد
ولو بواسطه و نیز متصف باشد بصفت رشد و امانت
و حسن ظاهر و با انعدام چنین شخص ذاتا و صفتا تولیت
با جمیع ایشانست و با فقدان چنین شخص ذاتا او صفتا
تولیت با ازهد و اتقای از علمای متشرعین دار السلطنه
تبریز است که از عرفا و شیخیه نباشد و نظارت
امورات متعلقه بعین موقوفه و منافع ان پس از گذشتن
مدت سیر و ذخر بوده با جناب مستطاب شامخ الالقاب العلم
العلامة الفقهاء زینة اصحاب العمامة شرف الحجاج والعمار

الحاج

الحاج میرزا محمد باقر دام مجده العالی امام جمعه دار
السلطنه تبریز است و بعد از ان جناب با کسی است
که بصفت عدالت و امانت و متشرع بودن مشهود
باشد و از اقارب خاجه مجرمه حاجیه خانم معظمه باشد
که همان نظر نماید و مطلع باشد دون استصواب و صلاح
دید و اگر صاحب اوصاف مزبوره در اقارب متعدد باشد
همه ناظر بوده و اگر صاحب اوصاف مزبوره در اقارب نباشد
هر یک از ایشان که اقرب باشد با اوصاف مزبوره ناظر است
و اگر هیچ یک از انها صاحب اوصاف مزبوره نبوده با اقرب
بانها نباشد چه از ذکور و چه از اناث نظارت با کسی است
که بصفت عدالت و امانت مشهور تر است از سکنه دار

السلطنه تبریز و با تعدد ذرای منصوبت کسی را نظارت
که وقوع شرعیه باطلاع و حضور متولی با سم او
خارج شود و صیغه وقف مزبور بنحو مقرر در شرع
شریف فارسیا و عربیا ایجابا و قبولا مره از جانب
مکرمه حاجیه خانم موقوف علیها نظر بانکه موقوف
علیها میباشند و مره از جانب حاکم شرع نظر بانکه وقف
عام است و مره از جانب جناب متولی و ناظر مکرم که تا بعد
انجناب متولی و ناظر بد جاری کردید و قبض و اقباض و تخلیه
و تصرف از جانب حاجیه محترمه حاجیه خانم سابقة الالقاب
که موقوف علیها میباشند و از جانب جناب متولی و حاکم
شرع نیز بعمل آمد قصادا و قضا صحیحا لازما شرعیا

دکان

[illegible] ۱۲۶۹

وکان ذلک فی یوم [illegible] شهر جمادی الاولی از شهور سنه
هزار و دویست و شصت و نه از هجرت ۱۲۶۹

بسم الله خیر الاسماء
[illegible]
حرره الداعی [illegible]

[illegible]

بسم الله تعالی
[illegible]

فوقع ما [illegible]
[illegible]

بسم الله [illegible]
[illegible]

ذلک الکتاب لا ریب فیه
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف علی الضمائر والمطلع علی السرائر والصلوة

والسلام علی محمد وآله خیر القبائل والعشائر وبعد

انتظام استحکام

سبب این تحریر کلمات شریعت فرجام انست که

بعد از آنکه علیا جاه عظمت و جلالت دستگاه مجدت وعفت

انتباه قمر نقاب خورشید احتجاب شمع شبستان

مصطفوی نهال گلستان مرتضوی فخر الحاجیات

والمعتمرات حاجیه تاج ماه بیگم خانم الشهیره بحاجیه خانم

دام مجدها العالی دختر مرحوم مغفور جنت

مکان علیین آشیان میرزا بزرگ قایم مقام الملقب

بقایم مقام بزرگ با تحقق جمیع شرایط شرعیه معتبره

در صحت معاملات تمامی دو دانگ مشاع از کل

شش دانگ قریه صوفیان از قرای دار السلطنه تبریز را

با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن بقدر الحصه

الشایعه نسبت بدو دانگ مزبور که یک ثلث کامل

از کل است بالتمام بدون وضع و استثناء چیزی از آن
لیخیه باشد کلاً و طراً که در محل خود از کمال شهرت
از تحدید و توصیف مستغنی است بعقد صلح صحیح
لازم شرعی منتقل نمودند بعلیا جاه عزت و رفعت
جایگاه خدارت و طهارت دستگاه العفیفة
الصالحة التقیة النقیة بنت الحاجات والمعتمرات
حاجیه خدیجه خانم الشهیرة بحاجیه آغا صبیة
مخدره مرحمت شان جنت مکان حاجی میرزا ابو یوسف
اشرفی مستوفی حلیله جلیله مرحوم رضوان جایگاه
میرزا احمد تقی علیا بادی الملقب با قا بعوض معین
در خارج و صیغه صلح مزبوره شرعاً جاری گردید

فی المجالس علیا جاه مخدرة المخدرات والمستورات
حاجیه آغا مصالحها با تحقق جمیع شرایط شرعیه
معتبره در صحت قربة الی الله تعالی و طلباً لمرضاته
وقف نمودند صحیح لازم شرعی و حبس مخلد صریح جازم
ملی نمودند همگی و تمامی صور و املاک مزبوره از قرار مضبوطه
مسطوره با جمیع توابع و لواحق مرقومه آن که با ایشان
منتقل شده بود مجملاً کل ما انتقل الیها را بالتمام
بدون استثناء چیزی از آن کلاً و طراً بر علیا جاه
حاجیه خانم مصالحه سابقة الالقاب مادام حیات
ایشان که جمیع منافع آن بهره باشد بالتمام مستقل ایشان
باشد بنحوی که خود خواهند و پس از عمر طبیعی ایشان

که داعی حق را لبیک اجابت کند و از دار الغرور بدار
السرور ارتحال نماید بر قاطبهٔ مؤمنین و مؤمنات
اثنی عشریه باین نحو که متولی شرعی هر ساله جمیع منافع
عین موقوفه را بعد از وضع مخارج متعلقه بعین
موقوفه حتی آنچه در آبادی ملک صرف شود مثل
احداث قنات جدید و بنا قلعه و بیوتات و باغ و نحو
آنها از چیزهائی که باعث زیادتی قیمت و منافع ملک
شود بنحوی که منافی با غرض نباشد و پس از وضع
یک عشر حق التولیه متولی و نیم عشر حق النظاره
ناظر شرعی و یک عشر و نیم که بفقرای رجال اعزا از
غیر سادات اگر چه در سابق صاحب ثروت بوده و بعد

بالفراق

بالفراق او الموت غریب شده باشند بدهند که حق
امر تزویج خود بر وجه شرعی نموده باشند و تعیین
مبلغ و مقدار اگر چه منوط است بنظر متولی و ناظر
ولکن باید از ده تومان بیشتر و از پنج تومان کمتر نباشد
و بعد از اخراجات که نوشته شد و پس از سه عشر
خرج بود آنچه باقی بماند که هفت عشر است کل آن را صرف
مقبرهٔ علیا جاه حاجیه خانم سابقة الالقاب نمایند
از اجرت قراء برای قرائت قرآن و هدیه نمودن قرآن
از شصت پاره و مخوان و سوزنی و فرش و ظروف و
شمعدان و شمع و قهوه و غلیان و اجرت خادم که شرط
شرعی شد که متولی شرعی منافع عین موقوفه را

از سه سال بیشتر بعقد اجاره یا عقد
دیگر مشغول نکنند و بعد از وقوع اشتغال تا سه سال
سابق تمام نشود تا با نقل مناضح نمایند و هکذا
بظالم و متغلب که خوف استقلال و غصب او باشد نه
و تولیت و نظارت عین موقوفه و مناضح آن از زمان
صدور وقف مزبور الی سیر و زتمام با جناب مستطاب
شامخ الالقاب العالم العامل العادل الفاضل
الکامل وحید عصره و فرید دهره و مجتهد زمانه
فخر الحاج والعمار المؤید من عند الله الحاج ملا عبد الله
دام مجده و علاه مفوض است و پس از مدت عمر خود
مادام حیات علیه مکرمه حاجیه خانم محترمه نعیمه

متولی

متولی نشده زیرا که مخدره معظمه خود موقوف علیها
میباشند و بهر نحوی که خود خواهند مختاره در صرف
مناضح و اما بعد از ایشان تولیت مفوض است
بیکی از اقارب ایشان در مرتبه اولی که اقرب بوارث
و اکثر سهم در ارث باشد چه از ذکور و چه از اناث بشرط
آنکه صاحب صفت بصیرت و صلاح بحال عین موقوفه
و صرف در مصارف مقرره باشد و لو بواسطه
و نیز متصف باشد بصفت رشد و امانت و حسن ظاهر
و با تعدد چنین شخص ذاتا و صفتا تولیت با جمیع
ایشان است و با فقدان چنین شخص ذاتا و صفتا
تولیت با ارشد و اتقی از علمای متشرعه دار السلطنه

تبریز است که از عرفا و شیخیه نباشد و نظارت
امورات متعلقه بعین موقوفه و منافع آن درین
مقتضی مدت سیر و زمر بود با جناب مستطاب شریعت
انتساب العلم العلام الفهام قدوة الانام شرف
الحجاج حاجی میرزا محمد باقر امام جمعه دار السلطنه
تبریز دام مجده العالی است و بعد از آن جناب با کسی
که بصفت عدالت و امانت و متشرع بودن مشهور
باشد و از اقارب مخدره مکرمه حاجیه خانم مزبوره
باشد که همان نظر نماید و مطلع باشد در استصواب
و صلاح دید و اگر صاحب اوصاف مزبوره در اقارب
متعدد باشند همه ناظرند و اگر در اقارب صاحب اوصاف

مرقومه

مرقومه نباشد کسی از انها که با وصاف مسطوره اقرب
باشد ناظر است و اگر هیچ یک از اقارب صاحب
اوصاف مرقومه نباشد اقرب بانها نباشد چه از ذکور
و چه از اناث نظارت با کسیست که بصفت عدالت
و امانت مشهور تر است از سکنه دار السلطنه تبریز
و با تعدد در این صورت کسی ناظر است که قرعه شرعیه
با طلاع و حضور متولی باسم او خارج شود و صیغه
وقف مزبور بنحو مقرر در شرع شریف فارسیا
و عربیا ایجابا و قبولا مرة از جانب مخدره حاجیه خانم
موقوف علیها نظر با نکه موقوف علیها می باشند
و مرة از جانب حاکم شرع نظر با نکه وقف عام است و مرة

از جانب جناب متولی و ناظر مکرم که تا سی روز
آن متولی و ناظرند جاری گردید عقد قبض و اقباض و
تخلیه و تصرف از جانب مخدره حاجیه خانم موقوف
علیها و از جانب حاکم و از جانب متولی بعمل امد
فصار وقفا صحیحا لازما شرعیا و کان ذلک
فی تاریخ دهم شهر جمادی الاولی از شهور سنه هزار و
دویست و شصت و نه از هجرت سنه ۱۲۶۹

[illegible]

[illegible]

هو
الواقف علی الضمائر
والمطلع علی السرائر

بسم الله الرحمن الرحیم

حمدی که مشوقان ملاء اعلی وشکری که مجابان

دیوان

دیوان قضا بدستیاری خامه لوان ما فی الارض
من شجرة اقلام وبامداد مداد والبحر یمده من بعده
سبعة ابحر از عهدهٔ وجوه وجهات آن بیرون نتوانند
آمد وثنائی که واقفان مواقف عارفان معارف از
کیفیت بیان آن بمضمون لا احصی ثناء علیک انت
کما اثنیت علی نفسک عاجز وقاصر اند واثق الاسرار
سزد که مصالح فتح ابواب خیرات در قبضه قدرته
المتصدقین والمتصدقات کذاشته وبابن وسیله ابواب
رحمت جاوید بر چهرهٔ این زمره فابز کشاده وایشانرا
توفیق تملک املاک کرامت فرموده تا بذر وصدقات
در مزارع قلوب بدست خیرات باپیاری خلوص نیت

تزیین نماید و هر کس از محصولات آن بهره ور گرداند
گرد در یوم یقوم الحساب بمقتضای آیت سراپا کرامت
مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة
انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله
یضاعف لمن یشاء به نیل مثوبات جزیله فایز گرداند
وصلوات نامیات بابرکات نثار مرقد مطهر منور آن
عالی مقداری که فرق فرقدان سایش با فسر و ما
ارسلناک الا رحمة للعالمین مشرف و عظیم الشانی
که خلعت خلقتش بطراز لولاک لما خلقت الافلاک
مزین بوده علت ایجاد الممکنات و ذات مرکز دایره
الارض و السموات مخاطب بخطاب انک لمن المرسلین است

کشاد

کشاده و ما هو علی الغیب بضنین و اللیل موی و الضحی
روی و انک لعلی خلق عظیم شرح اخلاق کرده واسطه روز
و موی او بود که خدا خلق نکرده قسم بلیل و نهار صلی الله علیه و آله
و اولاده الطاهرین و هم شفعاء یوم الدین و بعد
از طوالع مطالع این کتاب اضواء و شوارق مشارق
انتخاب استنباط المعز صدق این معنی ثابت و شعشعه
وضوح این مدعا درخشنده باد که هر کس را شمع هدایت
از الهی رهبری نماید و خاطر انکه و ذات نفسانیه مصفی
سازد بر مراتب نعم منیر او وصوف این معنی جلوه گر گردد که
مراتب نشئه دنیا را بقا و لذات جسمانیه را ثباتی نیست
و از نقا بر معارج سعادات اخرویه کسی را میسر شود

که همگی اوقات فرخنده ساعات خود را در تکثیر خیرات
و مبرات اصرف نموده سعی موفور بتقدیم رسانده و
کرایم اموال خود را ذخیره و اعتصام یوم لا ینفع مال
و لا بنون سازد و چون توفیقات الهی و تاییدات
لم یزلی و فر اقبال و کفیل آمال علیا جناب خدارت مآب
قمر نقاب خورشید احتجاب بلقیس مکانی آسیه الزمانی
فاطمة الدورانی اختر برج عصمت و طهارت گوهر
درج عفت و خدارت پرده نشین حجله عزت و حیا
تکیه گزین مسند عظمت و اعتلا السیدة الجلیلة
النبیلة المحترمه طائفه بیت الله الحرام حاجیه ماه بیگم
دامت خدارتها همشیره مکرمه جناب جنت مکان خلد

آشیان رضوان جایگاه حاجی میرزا موسی خان
اعلى الله مقامه و رفع الله درجته کرده اند تقربا الى الله
و طلبا لمرضاته وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد معتبر
اسلامی نمودند همگی و تمامی کل یک باب با لحوالی اندرونی
و بیرونی و حمام جدید البنا ملکی موروثی از اخ اکرم
معظم جنت مکان خود را که واقع است در درب مسجد
جامع ارض اقدس و محدود است کلاً از دو حد
بممر عام از سمتی بحوالی خیر الحاج حاجی میرزا محمد علی
مرحوم و از جانبی بحوالی وقفی منصرفی میرزا بابا البردی
با کافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه از ممر و مدخل و
بیوتات تحتانی و فوقانی و فضا و اخشاب و ارسیه و درب

وخارج وداخل حمام وغیره وکلما یتعلق بها من
القلیل والکثیر والنقیر والقطمیر بحفاظ وقاریان
وسوخته سر مزار غفران آثار برادر گرام خود خان
علیین آشیان خلد مکان علی الله مقامه که در هر
عصری از اعصار متولی شرعی آن حوالیها از بوده را
باشخاص متشرع مقدس یکمتر از سر سال باجاره عشر
داده یا گرفتن اجاره خط معتبره مداخل و منافع
آنرا بعد از وضع تعمیرات لازمه آن که هیچ وجه من الوجوه
نقصانی بر بنیاد و بنا و آبادانی او و تنقیح آن نیابد یک عشر
کامل بجهة حق التولیه خود تصرف نموده بقیه را
بقندیلکی بجهة سوخته سر مزار مرحوم مبرور که واقع است

درحرم

درحرم مطهر امام ثامن ضامن صلوات الله علیه
بین الصفتین پس پشت مبارک و مسجد بالاسر
مبارک محتاج باشد از شموع موم که در هر صباح
ومسا منور و روشن باشد بجهة تلاوت حفاظ
وغیره و لا صرف نماید و ما زاد را بحفاظ سر مزار
غفران آثار که صحیح القرائه باشند کارسازی نمایند
و علیا جناب واقف در امت توفیقاتها تولیت وقف
مزبور را مفوض نموده مادام الحیوة بنفس نفیس خود
و بعد از زندگانی باولاد ذکور خود و با عدم آن
باولاد ذکور اقارب خود که بصفت رشد و صلاح
آراسته باشند بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل و عقبا

بعد عقب و نیابت تولیت و نظارت وقف مزبور را
مفوض نمودند به متولی شرعی سرکار فیض آثار کردند
هر عصری از اعصار متولی شرعی وقف مزبور به نظارت
و اطلاع متولی شرعی سرکار فیض آثار حسب القرار
واقف معمول دارد و با عدم توطن و مجاورت متولی
وقف مزبور در ارض اقدس جناب ناظر نیابتاً عن المتولی
حسب القرار واقف معمول خواهد داشت و علیا جناب
واقفه تمامی اعیان موقوفه را از تحت تصرف و ید تملک خود
اخراج و به تصرف موقوف علیهم واگذاشت و خود تولیتاً
اعیان موقوفه را تصرف نموده و صیغه شرعیه بالعربیه
والفارسیه علی قانون شریعة الاحمدیه صلی الله علیه و آله

خیر

خیر البریه بر مراتب مسطوره واقع و جاری شد وقفاً
صحیحاً صریحاً شرعیاً بحیث لا یباع و لا یرهن و لا
یوهب فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین
یبدلونه و کان ذلک بتاریخ نودهم شهر جمادی الاولی
من شهور سنه ثلث و ستین و مائتین بعد الالف من الهجرة المقدسة
النبویة علی هاجرها الاف التحیة سنه ۱۲۶۳

مجلس شورای اسلامی
تأسیس ۱۳۰۲